

### ذره‌بین

### سقوط نصاب پیمانکار از دکل مخابراتی

نصاب یک شرک ت مخابراتی براثر شل شدن یکی از مهارها به همراه دکل سقوط کردو جان باخت. مدیرکل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر، درباره حادثه سقوط این کارگر نصاب از دکل مخابراتی توضیحاتی ارائه دادوحیدر حتمتی در خصوص جزئیات وقوع این حادثه به خبرنگار مهر گفت:احداث و تحویل دکل جدیدمخابراتی هلال احمر از چندماه قبل باقرارداد پیمانکاری در واگذاری یک شرک ت خصوصی بود و قبل از تحویل به واحد IT هلال احمر، متأسفانه پنج شنبه در بررسی و تست نهایی، دکل مخابراتی سقوط و یکی از نصابان نیز از ارتفاع حدود ۲۰ متری سقوط کرد.وی ادامه داد: حدود ساعت ۱۳:۱۰ روز پنج شنبه یکی از نصابان شرک ت خصوصی که با قرارداد پیمان کاری وظیفه احداث و تحویل دکل مخابراتی جدید را داشتنددر حالی که پروژه هنوز در اختیار پیمانکار بوده و تحویل واحد IT جمعیت هلال احمر نشده بود) از ارتفاع حدود ۲۰ متری به دلیل شل شدن یکی از مهارها و در ادامه سقوط به همراهدکل جان باخت.

رحمتی با اشاره به اینکه دکل قدیمی جمعیت هلال احمر واقع در ساختمان معاونت بهداشت، درمان و توانبخشی که وظیفه برقراری ارتباطات رادیویی و اینترنتی مرکز را با زیرمجموعه‌هااز جمله داوطلبان، امداد و نجات، استان تهران و.داشت و نوسازی شده بود، افزود: در پی درخواست هلال احمر از یکی از شرک ت های خصوصی برای افزایش و بهبود پهنای باند و اینترنت، آثر شرک ت اعلام کرد دکل فعلی پاسخگوی درخواست جدید نبوده و تنها راه،بهبودافزایش ارتباطات رادیویی و افزایش پهنای باند و اینترنت تر به سرعت انصب یک دکل جدید اعلام کردند از این رو ، براساس یک قرار داد پیمان کاری وظیفه احداث یک دکل جدید مخابراتی به این شرک ت واگذار شد. وی افزود: از چند ماه قبل عملیات مقدماتی احداث این دکل آغاز شده بود و طی روزهای گذشته مراحل نهایی نصب این دکل ۷۰ متری در حال انجام بود که متأسفانه روز پنج شنبه ، در آخرین ساعت انجام کار و قبل از تحویل پروژه به واحد IT، نصاب این شرک ت پس از نصب چراغ هشدار، براثر شل شدن یکی از مهارها، به همراه دکل سقوط کرد.مدیرکل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر افزود: بلافاصله بعد از وقوع این اتفاق مصدوم که حدود ۲۵ سال سن داشت به بیمارستان الاتیبا منتقل شد اما متأسفانه براثر شدت جراحات در گذشت.

### ادامه از صفحه ۲

### هوای گرم، بستنی خنک می طلبد

در این صورت سازوکار نظارت بر تولید دارو عملکرد خود را برای نظارت موثر بر تولید توزیع دارو تقویت می‌کند، چون هر گونه تقلبی موجب می‌شود که بیماران درمان نشوند، و بیماران می‌توانند ادعای خسارت کنند یا به نظام دارویی کشور بی‌اعتماد می‌شوند. پس قلب در دارو به دلیل آنکه تأثیر مستقیمی بر مصرف‌کننده دارد، حساسیت برانگیز می‌شود و دولت هم با اجبار و از روی وظیفه‌وآرد عمل و نظارت می‌شود.
حالا فرض کنید که یک کالا یا خدمتی تولید شود که مصرف عمومی و مردمی نداشته باشد، مثلاً شرعی که در مدح پادشاهان گفته می‌شود، در این صورت برای ما به عنوان مردم عادی چه فرقی می‌کند که این شعر را چه کسی گفته است، گوینده نهایی صله خود را از پادشاه می‌گیرد، به قول معروف غلب باید به دهن بزی خوش بیاید که می‌آید و صله خود را می‌دهد، برای ما چه فرقی می‌کند که سراینده اصلی آن شعر کیست؟ مقالات پژوهشی و مدارک دانشگاهی در عمل همین نقش را دارند. این پژوهش‌ها ربط چندانی به زندگی مردم ندارند، و تبدیل به تولید و پول نمی‌شوند. آنها برای کسب رتبه دانشگاهی نوشته می‌شوند. حتی برخی از کسانی که اسم آنان زیر مقاله است، آن را نخوانده‌اند! چون خواندنش هیچ فایده‌ای برای آنان ندارد. مسأله اصلی دریافت ارزش مادی آن در ارتقای رتبه دانشگاهی یا کسب حقوق مالهانه اداری یا کسب پرستیژ عمومی است، که برای این کارها نیازی به خواندن مقاله ندارند. حتی نیازی به تهیه پایان نامه ندارند و می‌توانند آن را بخنند، و فقط از منافع مدرک آن استفاده کنند. در نتیجه به همین دلیل است که کسی اهمیت چندانی به این مسأله نمی‌دهد.

بنابراین تا وقتی که دانش تبدیل به اقتصاد،

مدیریت و اداره جامعه نشود، و مدرک و مقاله

دانشگاهی بازتابی از این دانش نشود، هیچ اهمیتی

ندارد که آیا این مقالات و مدارک دانشگاهی واقعی

هستند یا جعلی و صوری و تقلبی، و اگر دانش به

متن جامعه آمد، در این صورت هم مدرک و مقاله

اهمیت خود را از دست می‌دهند، زیرا جامعه به

دانش افراد نگاه می‌کند و نه به مدرک آنان، در

بهترین حالت مدرک قربنه‌ای برای آن دانش است

و ذاتاً اعتبار ندارد.

وقتی دانشگاهی هزاران نفر را به عنوان دکترا می‌گیرد و کارخانه تولید پول را رانداخته بدون اینکه اصولاً هیأت علمی و امکانات کافی را داشته باشد و فراتر از مجوزهای رسمی (که آنها هم زیاد است) دانشجوی دکترا می‌گیرد، دیگر چه نیازی داریم که دنبال تعداد مقالات تقلبی باشیم، اینگونه دکترا دادن آنگونه مقاله تقلبی را می‌طلبد. مثل هوای گرم تابستان که بستنی خنک می‌طلبد.

**شهروند** اسیدپاشی جدید در پایتخت دوباره موجی از نگرانی را در میسان شهروندان به راه انداخت.
انگار داستان اسیدپاشی‌ها پایان ندارد و هر از چندگاهی اخبارهای ضد و نقیضی در این باره منتشر می‌شود حاکم از آن است که مانند حوادث گذشته هیچ منبع رسمی برای تأیید یا تکذیب این خبرها وجود ندارد، به همین خاطر بازار خبرهای متفاوت همچنان داغ است.
حادثه‌ای که روز پنجشنبه در تهران به وقوع پیوست و بلافاصله خبر این حادثه در سایت‌های خبری منتشر شد موجی از اخبارهای ضدونقیض را به دنبال داشت. پلیس خبر اسید پاشی را تأیید کرد و حتی جزئیاتی از این ماجرا در گفت و گو با خبرنگاران منتشر کرد، این در حالی بود که اورژانس تهران اسیدپاشی را تکذیب و هر گونه وقوع این حادثه را رد کرد.

ماجرا از این جا آغاز شد که طبع گزارش پلیس، پنجشنبه گذشته مأموران نیروی انتظامی از طریق تماس مردمی در جریان یک مورد اسیدپاشی در منطقه هفت‌چنار تهران قرار گرفتند. بلافاصله تیمی از مأموران نیروی انتظامی در محل حادثه حضور پیدا کردند و تحقیقات ابتدایی برای

## مرز واقعیت و دروغِ اسیدپاشی پایتخت

رازگشایی از این پرونده در دستور کار پلیس قرار

گرفته. سرهنگ داوود اصغریان رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ درباره جزئیات این خبر، گفت: «ساعت ۱۸:۱۵ پنجشنبه ۴دی‌ماه در حوزه کلاتری هفت چنار یک اسیدپاشی رخ داد. پس از دریافت خبر با توجه به حساسیت موضوع با حضور مأموران در محل حادثه مأموران پس از تأیید خبر اسیدپاشی، تحقیقات خود را آغاز کردند.» وی در ادامه افزود: «در شروع تحقیقات مأموران با پرس وجو از شاهدان ماجرا متوجه شدند دو راکب موتورسیکلت که صورت‌های خود را پوشانده بودند، با نزدیک شدن به یک خودروی وانت در یک فرصت مناسب به نسوی راننده جوان خودرو اسید پاشیدند. در این حادثه مقداری اسید به صورت و گردن راننده ۲۶ ساله خودرو ریخته‌شد.»

اصغریان در ادامه اضافه کرد: «اسیدپاشان بلافاصله از محل متواری شدند. پس از این حادثه، شاهدان ماجرای اسیدپاشی و مصدوم شدن پسر جوان را به اورژانس اطلاع دادند و باحضور تکنسن‌های اورژانس راننده جوان به‌دلیل شدت جراحات وارده به بیمارستان سوناح و سوختگی شهیدمطهری اعزام‌شد.»

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس درباره وضع جوان آسیب‌دیده گفت: «خوشبختانه آسیب دیدگی جوان ۲۶ ساله زیاد نبود و وی به صورت سرپایی مداوا ترخیص شد.» اما ماجرا به این جا ختم نشد و پس از اطلاع‌رسانی پلیس وقتی خبرنگاران برای پیگیری پرونده با مسئولان اورژانس تهران و بیمارستان سوناح سوختگی شهید مطهری تماس گرفتند با اظهار نظر متفاوتی از این مسئولان روبه‌رو شدند. در کمال تعجب زمانی مدیر روابط عمومی بیمارستان مطهری و حسن عباسی مدیر روابط عمومی

### دختر جوان به جرم کودک آزاری برادرزاده‌اش راهی زندان شد

# روایت تلخ دختری که با قرص برنج خودکشی کرد

### عمه جوان در این حادثه زنده ماند و در دادسرا متهم شد

خانواده‌ام دچار افسردگی شدم. آنها من‌ام را محدود می کردند و برای مسائل اخلاقی و حتی حجایم من را تحقیر می کردند. به همین خاطر به فکر خودکشی افتادم. جرأت این کار را نداشتم، وقتی سنا‌از به‌خانمان آمد حس کردم او هم دل خوشی از زندگی ندارد. فرصت خوبی بود تا او را هم به خودکشی ترغیب کنم، حس می کردم اگر یک نفر دیگر در آن لحظات با من همراه باشد جرأت بیشتری برای انجام این کار خواهم داشت. به همین خاطر او را راضی کردم تا همراه ما من به مرگ خودخواسته تن بدهد.»

#### مرگ درناک با قرص ارزان

این عمه متهم، در رابطه با نحوه انتخاب خودکشی شان به قاضی سپیدنامه گفت: «با سنا‌از به عطاری رفتم و یک بسته ۱۰ تایی قرص برنج خریدیم. به خانه که برگشتیم هنوز تردید داشتیم، وحشت از مرگ وجودمان را گرفته بود. جرأت نداشتم بگویم پشیمان شده‌ام، با یکدیگر قرص را خوردیم.

چند دقیقه‌بعد، درد همه وجودمان را فرا گرفته، من چند بار استغراق کردم و شاید همین موضوع باعث شد تا بیشتر سم از بدنم خارج شود. اما سنا‌از دردم کشید، هرگز تصور نمی کردیم خودکشی با قرص برنج تا این حد دردناک باشد. تشنه‌مان شده بود، اما نمی توانستیم حتی یک قطره آب بخوریم، تا این که کم‌کم از درد فریاد می کشیدیم. مادرم به سراغمان آمد، با حال بدی که داشتم ماجرا را برایش تعریف کردم. بلافاصله با آمبولانس به بیمارستان لقمان منتقل شدیم. در بیمارستان حالمان بدتر شد و با مرگ دست و پنجه نرم می کردیم. حس می کردم تک‌تک اعضای بدنم از کار می‌ایستد. پزشکان امپدشان را به نجاتمان از دست داده بودند و من هر لحظه به کایوس مرگ نزدیک می‌شدم. چند دقیقه‌بعد سنا‌از در کنارم جان سپرد. می‌دانستم که کارم تمام است، پشیمان شده بودم اما هیچ راهی نداشتم. تا این که بیهوش شدم اما چند ساعت بعد وقتی به هوش آمدم در کمال ناباوری متوجه شدم زنده مانده‌ام.» با اعترافات این عمه جوان، بازپرس پرونده قرار مجرمیت او را به جرم کودک‌آزاری دخترک صغیر صادر کرد.

قرار داده تا تن به مرگ خود خواسته بدهد. اگر در آزمایشات پزشکی قانونی مشخص شود که این دختر کوچک، به اجبار و ضرب‌وشتم مجبور به خوردن قرص برنج شده، مصداق بارز کودک آزار است اما اگر با میل و اراده خودش آن را مصرف کرده باشد کیفیت جرم و اتهام این عمه جوان فرق خواهد کرد. با این حال اگر با نظر قاضی و مستندات موجود در پرونده این زن، به جرم کودک آزاری محکوم شده باشد در زمان دادگاه، دادستان می‌تواند با ادله و استناد به قانون مجازات اسلامی، عنوان مجرمانه راز کودک آزاری به جرایم قانونی دیگر تغییر بدهد.

### تحقیقات پلیسی راز سارقان را برملا کرد

# مهمانان ناخوانده سارقان زن پولدار بودند

### مرد آستاندار لباس پستیچی با همدستی زن جوانش سناریوی مر موزی را طراحی کرده بودند



اندارد. ما هم که تحت‌تأثیر این پیشنهاد میلیونی قرار گرفته بودیم تصمیم گرفتیم تا کمکش کنیم.»

دختر جوان هم با تأیید ادعاهای نامزدش، به بازپرس نصرتی گفت: «روز حادثه طبق نقشه‌ای که طراحی کرده بودیم، به خانه ایسن زن ثروتمند رفتم. قرار بود همسرم با یکی از دوستانش به‌عنوان سارق وارد خانه شوند. زن صاحبخانه هم با پلیس تماس بگیرد و ما وقتی مأموران آمدند صاحبخانه‌ما را به‌عنوان

### آزیر

### سرت‌های فوجی جهانگرد تر کیه‌ای



**شهروند** |سارقی فوجی که خود را جهانگرد تر کیه‌ای معرفی می‌کرد در تحقیقات پلیسی به‌آخر خط رسید. این مرد طعمه‌های خود را فریب می‌داد تا پول‌های میلیونی به جیب‌بزند. ۱۴ مهرماه پرونده یک سرت‌ پیش‌روی مأموران کلاترسی ۱۲۶ تهران‌پارس قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد که مردی پس از سرت‌ عابر بانک حاوی رمز، ۵میلیون تومان از حساب بانکی مالباختگانی برداشت کرده‌است.

با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع سرقت به شیوه کف‌زنی و به دستور دادیار شعبه یازدهم دادسرای ناحیه ۴ تهران، پرونده جهت رسیدگی در اختیار پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار

گفت.

مالباخته در اظهاراتش به کار آگاهان گفت: «ساعت ۱۰ صبح بود. از بازار میوه و تره‌بار برمی‌گشتم که خودرو پرآید سفیدرنگی سدراهم

شد و راننده‌اش به سمت من آمد. تصور کردم خارجی است. با پول رایج کشورمان آشنایی نداشت. از من راهنمایی می‌خواست. چند اسکناس و تراول به او نشان دادم، اما او کارت‌های عابر بانک را می‌خواست

بیند، من نیز چند عابر بانکم را به او نشان دادم، مرد خارجی پس از دیدن اسکناس‌ها و کارت‌های عابر بانک، همه را با زیرس داد و بلافاصله سوار ماشین شده زمانی که به خانه رسیدم، چند پیامک بانکی به گوشیم رسید که متوجه شدم ۵میلیون تومان از حساب بانکی از عابر بانک‌هایم برداشت شده‌ است.

بلافاصله کارت‌هایم را بررسی کردم که متوجه شدم یکی از آنها سرت‌ شده‌ است.» با توجه به شیوه سرت‌ انجام‌شده و شباهت آن با سگرد کف‌زنی توسط سارقان طایفه فیوج، کار آگاهان به بررسی بانک اطلاعاتی راجزبان‌ها و بلافاصله سوار ماشین مالباخته با مشاهده تصویر متهمان این طایفه موفق به شناسایی یکی از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار به نام «رضی» شد که پیش از این نیز به‌اتهام سرت‌ به‌ویژه کف‌زنی رایزبان‌ها دستگیر و روانه زندان شده‌ بود.

تحقیق با بررسی تراکش‌های مالی عابر بانک مالباخته چند مرکز خرید لوازم خانگی را در منطقه شرق تهران شناسایی کردند. وقتی مأموران به مراکز خرید مراجعه کردند، متوجه شدند که متهم در چندین نوبت به یکی از این مراکز رفته است. آموزش‌های پلیسی به تعدادی از کسبه مرکز خرید ارائه شد تا در صورت مشاهده مجدد متهم، بلافاصله موضوع را از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به پلیس اطلاع‌دهند.

سرنایج در زمان مراجعه متهم به این مرکز خرید در محدوده خیابان فرجام وی توسط کسبه شناسایی شدند. همین سرنیخ کافی بود تا مأموران وارد عمل شدند و متهم را دستگیر کردند. سرهنگ کار آگاه سعاده گزافی، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ، در ادامه اعلام این خبر با اشاره به تعدد مجله‌های سرت‌ از سوی متهم گفت: «متهم در اعترافات خود به سرت‌های سریالی در مناطق مختلف تهران به‌ویژه در نیوارن، قیطریه، شمیران، جردن، اختیاریه، پاسداران، شهرک قدس، ولنجک، اوین درکه، دربند، تجریش، صاحبقرانیه، ونک، تهرانپارس حکیمیه، سرآج‌را گل، فرمانیه و اعتراف کرده‌ است.» سرهنگ سعاده گزافی، با اعلام خبر انتشار بدون پوشش تصویر متهم، گفت: «جهت شناسایی سایر شاکیان و مالباختگان، بازپرس پرونده با تقاضای انتشار بدون پوشش تصویر متهم از کسانی که موفق به شناسایی تصویر متهم شدند، خواست تا جهت طرح و پیگیری شکایات خود به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در سیدخندان – خیابان ابوذر غفاری – جنب کلاتری ۱۲۰ سیدخندان مراجعه‌کنند.»

### تنبیه، دانش آموز البرزری را راهی اتاق عمل کرد

تنبیه یک دانش‌آموز ۱۲ساله از سوی معلم در یکی از مدارس ابتدایی سرپانه شهرستان فردیس، این دانش‌آموز را روانه اتاق عمل کرد. تیم عبدالل‌خواه دانش‌آموز پایه ششم ابتدایی است که ۱۰ روز پیش پس از این که توسط معلمش به طرز فجیعی تنبیه‌شد و کارش به بیمارستان کشیدشد.

به گزارش ایرنا، غلامرضا عبدالله‌خواه پدر این پسر دانش‌آموز در تشریح جریان این تنبیه گفت: «فرزند من پشت‌نیمکش نشسته بود که معلم وی با دست شدید بود که صورت‌نیماز ناحیه‌بینی به شدت باایله نیکم‌تر خودرود کرده‌دچار شکستگی می‌شود.» بنا به گفته پدر، نیما، وی اضافه کرد: «وقتی در جریان ماجرا قرار گرفتم سریع به مدرسه رفتم. متأسفانه معلم از پسرم خواسته بود که به همه بگویم بی‌نی‌اش به خاطر برخورد با دیوار دچار شکستگی شده‌است. حتی مدیر مدرسه هم از معلم خواسته بود تا به‌صورت نیما پودر سفیدکننده‌بزند تا کودی‌هایش مشخص‌نشود.»

وی در ادامه گفت: «وقتی پسرم را به بیمارستان بردم پزشکان گفتند که یک عمل جراحی دیگر باید در سن ۱۶سالگی روی بی‌نی‌پسر انجام‌دهند.»